

## شناخت عوامل مرتبط با فرار از مدرسه

در دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شاخه نظری شهر ابهر

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مرتبط با فرار از مدرسه در دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شاخه نظری است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از تمام دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شاخه نظری شهر ابهر در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴. آزمودنی‌ها به روش خوشه‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که دبیرستان را به عنوان واحد نمونه‌گیری فرض کرده و ۱۰ مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب نمودیم. سپس از هر دبیرستان، ۲۰ دانش‌آموز (۱۰ دانش‌آموز گروه مدرسه‌گریز و ۱۰ دانش‌آموز گروه گواه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه دانش‌آموز، نگرش‌سنج و چک‌لیست مونی انجام گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج زیر به دست آمد:

۱. میزان انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان مدرسه‌گریز کمتر از دانش‌آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند و این متغیر یکی از عوامل مؤثر بر فرار از مدرسه است.
۲. میزان کشمکش و روابط معیوب خانوادگی در دانش‌آموزان مدرسه‌گریز بیشتر از دانش‌آموزان عادی است و این متغیر یکی از عوامل مؤثر بر فرار از مدرسه است.
۳. نگرش منفی به تحصیل در دانش‌آموزان باعث فرار دانش‌آموزان از مدرسه می‌شود.
۴. برخورد نادرست لولیای مدرسه با دانش‌آموزان باعث فرار دانش‌آموزان از مدرسه می‌شود.
۵. بین معاشرت با همسالان مدرسه‌گریز و فرار از مدرسه رابطه معناری وجود دارد.
۶. بین افت تحصیلی و فرار از مدرسه رابطه معناری وجود دارد.
۷. بین عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش‌آموزان و فرار از مدرسه رابطه معناری وجود دارد.

\* حسن اسدزاده

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\*

ذکراله مروتی

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه

شهید چمران اهواز

## مقدمه و طرح مسئله

آموزش و پرورش هر جامعه بیانگر سطح فرهنگ و میزان توانایی مادی و معنوی آن جامعه است که هرگاه همگام با تحولات جهان پیشرفت نماید، می تواند به رفع نیاز های مادی و معنوی آن جامعه متجرشود. از این گذشته، انتقال میراث فرهنگی، شناخت بهتر استعداد و علایق دانش آموزان و ایجاد زمینه مناسب رشد و هدایت آنها برای ادامه تحصیل در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و راهنمایی برای احراز شغل مناسب از وظایف آموزش و پرورش در هر جامعه است (گیلک پور، ۱۳۷۷).

ایران، جامعه ای جوان است و از این رو شناسایی مشکلات مربوط به آن ضروری احساس می شود، چرا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، پرورش انسان هایی است سالم، همراه با بهداشت روانی و جسمانی و حساسیت لازم نسبت به این موضوع یقیناً در سرنوشت آنان تأثیری به سزا خواهد داشت (سیف و شعاع کاظمی، ۱۳۸۲).

مسائل و مشکلات متنوعی در ابعاد آموزشی و تربیتی، گریبان گیر نظام آموزشی جوامع است. در این میان مدرسه گریزی (Truancy) پدیده ای است که به سرعت افزایش یافته و به یکی از مشکلات عمده آموزش و پرورش مبدل شده است. اهمیت این موضوع بیشتر ملموس خواهد بود، اگر در نظر داشته باشیم که تربیت صحیح نسل جوان سرمایه گذاری مطمئنی است که هر جامعه ای در راستای تعالی خود در آینده ای نه چندان دور به آن مبادرت می ورزد (سیف و شعاع کاظمی، ۱۳۸۲).

مدرسه گریزی عموماً به عنوان عامل کلیدی خطر زا برای ترک تحصیل (Dropp Out) و بزهکاری (Delinquency) فرض می شود. مدرسه گریزی اغلب منجر به سبکی از زندگی می شود که می تواند مشکلات جدی را در زندگی بزرگسالی سبب شود (Inman, 2005).

مدرسه گریزی حاکی از این مسئله است که دانش آموز در خانه یا مدرسه، شخصیت مشکل زا دارد. پیشرفت تحصیلی ضعیف، تنها پیامد منفی مدرسه گریزی نیست. به زعم کارون (Carron)، نمودوفسکی (Nemorofsky)، راک (Rock) و کرنیس (Kemis, 1999)، همچنین میزان بالای جرائم مرتبط با مدرسه، رفتار ناشایست و افزایش دخالت دادگاه های نوجوانی در دانش آموزان مدرسه گریز دیده شده است (Inman, 2005).

دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش، اصلی ترین و مهم ترین عنصر محسوب می شوند. تمامی تمهیدات و پیش بینی ها در جریان برنامه ریزی ها، سیاست گذاری ها و تدارکات در این سیستم در نهایت به دانش آموزان منتهی می شود؛ زیرا آماده سازی و ایجاد صلاحیت های لازم در آنها برای ورود به اجتماعی که خود، سازنده آن خواهند بود، هدف نهایی آموزش و پرورش است. بی گمان، در این روند، هر قدر به مسائل مربوط به دانش آموزان بیشتر توجه شود و مورد رسیدگی قرار گیرد، ساختار آتی اجتماع از استحکام و استواری بیشتری برخوردار خواهد بود (سیف و شعاع کاظمی، ۱۳۸۲).

پدیده هایی چون مدرسه گریزی، فرار از خانه، هراس از مدرسه (School Phobia)، ترک تحصیل و افت تحصیلی، اگر چه مربوط به دانش آموزان است، ولی از مسائل مبتلا به نظام آموزشی نیز هست. هر

یک از این پدیده ها، علاوه بر داشتن تأثیر متقابل در دیگری، نتایج و آثار ویژه خود را دارد و روش های مقابله و برخورد جداگانه ای را می طلبد. در این میان پدیده رفتاری فرار از مدرسه از جمله مشکلات مبتلا به مدارس و خانواده ها است که خود به دلیل عوارض و پیامدهای اجتماعی، روانی و خانوادگی نیازمند بررسی ویژه ای است. این مشکل، علاوه بر این که از نظر اقتصادی و مالی هزینه سنگینی را بر جامعه تحمیل می کند، مشکلات فراوانی نیز برای خانواده، جامعه و خود دانش آموز به بار می آورد. مدرسه‌گریزی، مقدمه ای است برای ورود به گروه های ضد اجتماعی و بزهکاری (گیلک پور، ۱۳۷۷).

کودکی که از رفتن به مدرسه خودداری می کند، به تباه کردن آینده خود پرداخته است. از تماس های خارج از خانواده پرهیز می کند و شغل او به خطر می افتد و آینده اش به نحوی رقم می خورد که می توان آن را خودکشی اجتماعی توصیف کرد (کان و دیگران ۱۳۷۰).

فرار از مدرسه برای دانش آموز مسئله ای فردی، برای خانواده مسئله ای مربوط به روابط متقابل والدین و فرزند، برای مدرسه مسئله ای تربیتی و برای جامعه موضوع و معضلی اجتماعی است. این مشکل دامنه وسیعی داشته و بسیاری از افراد و نهاد ها با آن درگیر و مواجه اند و بدین سبب نیازمند بررسی است تا راهکارها و پیشنهاد هایی برای حل این مشکل ارائه شود.

در بحث از ضرورت و اهمیت مسئله، باید به پیامدهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی آن توجه نمود. این مشکل به عنوان سدی در مقابل بروز و شکوفایی استعداد دانش آموزان قرار می گیرد و همچنین به گسترش رفتار های نا بهنجار کمک می کند. از آنجا که جامعه را افراد، ارتباطات و قوانین اجتماعی شکل می دهد؛ لذا جامعه ای سالم، نیازمند افرادی بهنجار است (سیف و شعاع کاظمی، ۱۳۸۲).

واگنر و همکاران (Wagner et al, 2004) شش نکته عمده را عنوان کرده اند که سه نکته اول به پیامدهای فرار از مدرسه برای دانش آموزان اشاره می کند و سه نکته بعدی شیوه مداخله و روش های موجود در ارتباط با مشکل فرار از مدرسه را نشان می دهد:

- ۱- کودکانی که به طور دائم رفتار مدرسه‌گریزی را نشان می دهند، احتمال بیشتری وجود دارد که ترک تحصیل کنند. بنابراین آنها از نظر اجتماعی و اقتصادی در زندگی آسیب پذیرند.
- ۲- فرار از مدرسه یک عامل خطر زا برای بزهکاری می باشد.
- ۳- سر و کله زدن با دانش آموزان مدرسه‌گریز، زمان زیادی از معلمان می گیرد. مدرسه‌گریزان ممکن است جو و محیط درون کلاس را همانند جو درون مدرسه به اغتشاش بکشانند.
- ۴- فشار روانی یا بیماری های روانی از قبیل هراس از مدرسه یا اضطراب جدایی (Seperation Anxiety) علت های احتمالی مدرسه‌گریزی است که نیازمند درمان بالینی است.
- ۵- مدرسه‌گریزی مداوم، به مشکلات ساختاری مدرسه اشاره دارد.
- ۶- علاوه بر این، فرار از مدرسه می تواند از موقعیتهای وجود مشکل درون خانواده منتج شود.

به دلیل اهمیت پدیده فرار از مدرسه، ضرورت دارد عوامل بروز و راههای مقابله و پیشگیری آن مورد بررسی و کارشناسی دقیق قرار گیرد و مسئولان و متخصصان آموزش و پرورش نیز به کاربرت یافته ها و توصیه های آنها همت گمارند.

## اهداف پژوهش

### هدف کلی

شناسایی عوامل مرتبط با فرار از مدرسه در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شاخه نظری شهر اهر در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴.

### سؤالات پژوهش

۱. آیا دانش آموزان مدرسه گریز از نظر میزان انگیزش تحصیلی با دانش آموزان عادی تفاوت دارند؟
۲. آیا دانش آموزان مدرسه گریز از نظر میزان کشمکش و روابط معیوب خانوادگی با دانش آموزان عادی تفاوت دارند؟
۳. نگرش منفی به تحصیل تا چه اندازه باعث فرار دانش آموزان از مدرسه می شود؟
۴. برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش آموزان تا چه اندازه باعث فرار دانش آموزان از مدرسه می شود؟
۵. آیا بین معاشرت با همسالان مدرسه گریز و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟
۶. آیا بین افت تحصیلی و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟
۷. آیا بین عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش آموزان و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟

### چارچوب نظری

#### ناسازگاریهای روانی و اجتماعی نوجوانان

مرحله نوجوانی را دوره برانگیختگی و دگرگونی عمیق در تمامی ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان می‌دانند. نوجوانی، سن تعارض و اختلاف بوده که در آن کوششهای زیادی در زمینه ارتباط با محیط به چشم می‌خورد. به همین دلیل است که مرحله نوجوانی را آغاز زندگی اجتماعی دانسته‌اند. این دوره متضمن تحولی مهم و پر ارج است که اگر این تحول در مسیر درست و تحت رهبری آگاهانه قرار نگیرد، نابسامانی‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت.

همزمان با آغاز بلوغ و در طی آن، بسیاری از قوای غریزی که در آن نهفته بودند، فعال شده و سبب پیدایش نیروی جدیدی در شخص می‌شوند. تخلیه و به کار بستن این نیرو، به دنبال خود، فعالیتهای عضلانی و رفتاری مختلفی دارد که ظاهراً به عنوان اعمال و رفتار مرضی شناخته می‌شوند، در صورتی که چیزی جز تظاهرات روانی و اجتماعی نیستند. این نیرو به دنبال خود آثار مختلفی در دختران و پسران دارد؛ مثلاً پسرها سعی می‌کنند شبها دیرتر به خانه بیایند و بیشتر وقت خود را صرف قدم زدن در خیابان کنند و دست به اعمالی زنند که از نظر اجتماعی ممنوع است و دختران نیز تمایلاتی در جهت آراستن خود پیدا می‌کنند و این امر ممکن است از نظر اجتماعی و آداب و سنن باعث کشمکش بین آنها و خانواده شود (قشلاقی، ۱۳۷۱، به نقل از بازیاری میمندی، ۱۳۸۱).

استین برگ (Steinberg, 1993) به نقل از گلزاری (۱۳۸۲) در خصوص مشکلات روانی و اجتماعی (Psychosocial Problems) نوجوانان بر ۴ اصل کلی تأکید می‌کند:

- ۱- «رفتارهای خطر آفرین یا مشکل ساز دیرپا» (Enduring Patterns of Dangerous or Troublesome Behavior) با «تجربه های اتفاقی» (Occasional Experimentation) تفاوت دارند . پژوهش‌ها نشان می دهد که میزان رفتارهای اتفاقی و معمولاً بی زبان ، بسیار بیشتر از مشکلات رفتاری پایدار است. امکان دارد عده نسبتاً زیادی از نوجوانان گاهی سیگار بکشند یا لبی با مشروب، تر کنند ! اما شمار اندکی از آنان ، این رفتارها را بی می گیرند و پا برجا می مانند.
- ۲- باید بین رفتارهایی که ریشه و شروع آنها در نوجوانی است، با آنها که در مرحله های پیش از این دوره آغاز می شود فرق گذاشت. بزهکاری عده ای از نوجوانان به ویژه انحرافات که به صورت برگشت پذیر و تکراری خود را نشان می دهند، ریشه در مشکلات و بیماری های دوران کودکی دارند که در خانه و مدرسه آغاز شده، شکل گرفته و برطرف نشده اند.
- ۳- برخی از مشکلات رفتاری و نه همه آنها ، طبیعی ناپایدار و گذرا (Transitory) دارند که می توان امید داشت با ورود نوجوان به مرحله بزرگسالی از شدتشان کاسته شود و به تدریج از بین بروند. سوء مصرف مواد، کارهای خلاف قانون و سر کار نرفتن (Unemployment) (عدم اشتغال) سه نمونه بارز این گونه مشکلات اند که در سالهای بعد از نوجوانی در وجود فرد رنگ می بازند و جای خود را به دوری از مواد مخدر و الکل ، پذیرش قانون و اشتغال می دهند. اینجا نیز تأکید می شود که اکثر رفتارهای تغییرناپذیر، پیشینه ای در بحران های کودکی و پیش از نوجوانی دارند.
- ۴- مشکلات رفتاری دوره نوجوانی پیامد تغییرات طبیعی خود این دوره نیستند. نظریه های عامیانه که «هورمون های خروشان» (Raging Hormones) را مسئول رفتارهای انحرافی می دانند، از پشتوانه علمی برخوردار نیستند. این که سرکشی نوجوان از نیاز ذاتی او به طغیان ، علیه اقتدار سرچشمه می گیرد یا رفتار عجیب و غریب او نتیجه «بحران هویت» (Identity Crisis) است ، سخنانی غیر منطقی است.

## تعاریف فرار و فرار از مدرسه

فرار که به فرانسسه (Evasion) و انگلیسی (Run away) گفته می شود، عبارت است از شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت در شرایط نا مطلوب و یافتن اوقات بیشتر. این فرار گاهی به این هدف است که شرایط سخت زندگی، اجازه اطلاق موجود انسانی را به کسی نمی دهد (Souvea, 1961) به نقل از سعیدی، (۱۳۷۲).

فرار، بخشی از رفتار ناسازگارانه ای است که کودکان و نوجوانان مرتکب می شوند که ابتدا به رفع نیازهای عادی خود در یر کردن اوقات فراغت و سپس به اعمال ناهنجار دیگر از قبیل دزدی و ولگردی روی می آورند. مهم تر اینکه با یافتن افراد همسن و سال خود در پارکها و کوچهها و خیابانها به تشکیل گروههای بزهکاری مبادرت می ورزند (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۰). پاره ای از افراد در مواجهه با موقعیتهای ناراحت کننده و آسیبزا، آسان ترین راه را که عقب نشینی یا فرار است انتخاب می کنند (نوابی نژاد، ۱۳۷۳). اصل فرار - از مدرسه یا خانه - شیوه ای نادرست در قبال مشکلات است. در واقع، مکانیزم روانی منفی است (قاسم زاده، ۱۳۸۴).

فرار از مدرسه حالتی است که کودک سالم، بدون عذر موجه از حضور در مدرسه و خودداری کند و غیبت او غیر قانونی یا غیرموجه شناخته شود. صاحب نظران این عمل را غفلت در انجام وظیفه و یک رفتار ضد اجتماعی تلقی می کنند (میلانی فر، ۱۳۷۸).

تایرمن (Tyerman, 1968) به نقل از زانگ (Zhang, 2003) مدرسه‌گریز را فردی می‌داند که بدون اجازه والدین از مدرسه غائب می‌شود. رینولدز (Reynolds) و مارگاتروید (Margatroyd) کودکی را که به هر دلیل از مدرسه غیبت می‌کند به عنوان مدرسه‌گریز طبقه‌بندی می‌کند (Zhang, 2003). استول (Stool) مدرسه‌گریزی را این‌طور تعریف می‌کنند: غیبت از مدرسه بدون هیچ دلیل موجه (Edward & Malkolm, 2002). مدرسه‌گریزی عبارت است از فرار از مدرسه بدون اجازه والدین و اولیای مدرسه (کان و همکاران، ۱۳۷۰).

گلزاری (۱۳۸۲)، فرار از مدرسه را این‌طور تعریف می‌کند: غیبت غیر موجه از مدرسه که معمولاً بدون آگاهی و رضایت پدر و مادر صورت می‌گیرد و ناشی از اضطراب شدید از حضور در مدرسه (مدرسه‌هراسی) است.

کوی و همکاران (Quay et al, 1980) به نقل از خرماپی (۱۳۷۴) به وسیله طبقه‌بندی تجربی، چهار بعد برای اختلال‌های رفتاری مشخص ساخته‌اند: اختلال سلوک (پرخاشگری آشکار، منفی‌گرایی و از هم‌گسیختگی)، اضطراب و گوشه‌گیری (بیش‌فعالی، گوشه‌گیری اجتماعی، کم‌رویی و حساسیت)، عدم پختگی (کمبود توجه، انفعال و خیال‌پردازی) و پرخاشگری اجتماعی شده (فعالیت‌های دسته‌ای، سرقت و مدرسه‌گریزی).

## تشخیص افتراقی فرار از مدرسه

برای تشخیص افتراقی این اختلال و سایر اختلالات به ظاهر مشابه به ویژه هراس از مدرسه دقت فراوانی لازم است. به‌طور کلی غیبت‌های غیر موجه دانش‌آموزان از مدرسه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: ۱- غیبت از مدرسه به دلیل «مدرسه‌هراسی» (ترس غیر منطقی از مدرسه) ۲- فرار از مدرسه یا مدرسه‌گریزی.

در اینجا به تفاوت این دو اشاراتی می‌شود:

میلانی فر (۱۳۷۸) تفاوت ترس از مدرسه و فرار از مدرسه را این‌طور بیان می‌کند که فرار از مدرسه بیشتر در کودکان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپاتها، حالت اضطراب شدید و نظایر آن دیده می‌شود. در این حالت نوجوان از مدرسه فرار می‌کند و به منزل نمی‌رود. پدر یا مادر از غیبت نوجوان از مدرسه اطلاعی ندارند یعنی در حقیقت نوجوان از مدرسه و منزل هر دو فرار می‌کند. این نوجوانان با عمل خود مقررات مدرسه را زیر پا می‌گذارند و از قوانین متداول خانوادگی و اجتماعی پیروی نمی‌کنند. اکثراً بعد از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خود به قمار، دزدی و رفتارهای سایکوپاتیک می‌پردازند و یا اینکه بدون هدف معین در خیابانها پرسه می‌زنند.

این نوجوانان اغلب کم‌استعدادند و در تطابق و سازش خود با محیط‌های خانوادگی و تحصیلی مشکل دارند. کودکان گریز از مدرسه اگر هم استعداد خوبی داشته باشند از نظر عاطفی سالم نیستند و رفتارشان در خانه و مدرسه طبیعی نیست و با کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند کاملاً فرق دارند. کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند اکثراً به خانواده‌های مرفه تعلق دارند و رفتارشان در مدرسه بهتر و آرام‌تر از سایر شاگردان است.

مدرسه‌گریزی و هراس از مدرسه معمولاً از همدیگر متمایزند چرا که مدرسه‌گریزی به عنوان بخشی از اختلال سلوک (Conduct Disorder) است در حالی که خودداری از مدرسه به عنوان اختلال نوروتیک (Neurotic Disorder) فرض می‌شود. این تمایز به وسیله تایرمن (۱۹۷۴) به چالش کشیده شده است. او

معتقد است که این دو گروه بر روی یک پیوستار قرار دارند با وجود این، در مورد هراس از مدرسه معمولاً این توافق وجود دارد که نیازمند درمان بالینی است (Reid, 1982).

هراس از مدرسه با گریز از مدرسه یکی نیست. مدرسه گریزان معمولاً به تناوب از مدرسه غائب می‌شوند و پدر و مادرشان از موضوع اطلاعی ندارند. در مقابل، در هراس از مدرسه، کودک معمولاً به طور پیوسته و طی دوره های طولانی به مدرسه نمی‌آید و پدر و مادر از نرفتن به مدرسه و ماندن وی در خانه آگاهند. همچنین مدرسه گریزان، برعکس کودکانی که از مدرسه هراس دارند، معمولاً شاگردانی تنبل‌اند که به سایر اختلال‌های رفتاری چون دزدی و دروغگویی نیز دچارند (نلسون وایزرائیل، ۱۳۷۵).

سلطانی (۱۳۸۱) مدرسه هراسی را ترس اغراق آمیز از رفتن به مدرسه می‌داند که در میان دانش‌آموزان سنین مختلف دیده می‌شود، اما در ۱۱ و ۱۲ سالگی به اوج خود می‌رسد و هر دو جنس مبتلا می‌گردند و احتمالاً در دخترها کمی بیشتر از پسرها و در تمام طبقات اجتماعی و با هر توانایی تحصیل مشاهده می‌گردد و اما فرار مدرسه این است که کودک به قصد مدرسه رفتن از منزل خارج می‌شود ولی به جاهای دیگری غیر از مدرسه می‌رود یا پس از ورود و گاهی پس از ماندن مختصری در مدرسه، از آنجا بیرون می‌رود.

هین و همکاران (Heyne et al, 2004) در این باره می‌گویند اولاً کودکی که مدرسه گریزی را نشان می‌دهد ممکن است به قصد رفتن به مدرسه روزش را آغاز کند، اما تمامی روز را در جای دیگری به غیر از مدرسه سپری کند. از سوی دیگر، والدین کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند به خوبی از مشکل آگاهند و کودک اغلب در خانه باقی می‌ماند. ثانیاً در حالی که عدم حضور کودک مدرسه گریز معمولاً متناوب است، کودکی که از رفتن به مدرسه خودداری می‌کند ممکن است از مدرسه برای هفته‌ها یا ماه‌ها دور باشد. سوماً، کودکی که از رفتن به مدرسه خودداری می‌کند، معمولاً دانش‌آموزی خوب است با اهداف شغلی که به تحصیل نیاز دارد. در حالی که کودک مدرسه گریز، دانش‌آموز بی‌تفاوتی است که مدرسه را دوست ندارد و اغلب معیار ضعف انجام تکلیف را نشان می‌دهد. بعلاوه، کودک مدرسه گریز بیشتر اوقات به عنوان اختلال سلوک تشخیص داده می‌شود؛ در حالی که خودداری از مدرسه به عنوان اختلال هیجانی (Emotional Disorder) مدنظر است.

## روش پژوهش

طرح پژوهشی حاضر از نوع علی - مقایسه ای (Causal-Comparative) است که در آن عوامل مؤثر بر فرار دانش‌آموزان از مدرسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از روش تحقیق علی - مقایسه ای، یافتن علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری است. بدین منظور، آزمودنی‌هایی که دارای رفتار مورد مطالعه‌اند، با آزمودنی‌هایی که این رفتار در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، مقایسه می‌شوند. این روش را غالباً پژوهش «پس رویداد» (Ex Post Facto) می‌نامند. زیرا اشاره به مواردی دارد که در آنها علت از پیش رخ داده است و مطالعه آن در حال حاضر از طریق بررسی اثری که بر متغیری دیگر - که معلول خوانده می‌شود - گذارده و بر جا مانده است، امکان دارد (دلاور، ۱۳۸۰).

کرلینجر (Kerlinger) در این مورد می‌گوید: پژوهش پس رویدادی، روشی است که در آن محقق کنترل متغیرهای مستقل را در اختیار ندارد زیرا تظاهرات آن در گذشته رخ داده است یا به علت ذاتی بودن، قابل دستکاری نیست، نتایج نیز بدون مداخله مستقیم در متغیرهای مستقل و وابسته به دست می‌آید. در این تحقیق صرفاً ارتباط بین متغیرهای مستقل و تابع مورد بررسی قرار می‌گیرد و این امر، الزاماً رابطه علت و معلولی بین آنها را مشخص نمی‌کند (Kerlinger, 1973) به نقل از رضا زاده ساراب، ۱۳۷۵).

## جامعه آماری

معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی، یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است درباره صفت (صفت های) متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳). جامعه آماری این پژوهش عبارت است از تمام دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شاخه نظری شهر ابهر در سال تحصیلی ۸۵-۸۴.

## آزمودنی ها و چگونگی انتخاب آنها

نمونه گیری آماری پژوهش حاضر به شیوه خوشه ای صورت گرفت. در این روش، واحد نمونه گیری فرد یا یک عضو نیست، بلکه گروهی از افراد است که به صورت طبیعی شکل گرفته و گروه خود را تشکیل داده‌اند. به همین دلیل نمونه گیری خوشه ای زمانی به کار برده می شود که انتخاب گروهی از اعضا امکان پذیر و آسان تر از انتخاب اعضای جامعه باشد (دلاور، ۱۳۸۱).

در این شیوه نمونه گیری ما دبیرستان را به عنوان واحد نمونه گیری فرض کرده و ۱۰ مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب کرده و سپس از هر دبیرستان، ۲۰ دانش آموز (۱۰ نفر گروه مدرسه گریز و ۱۰ نفر گروه گواه) به صورت تصادفی انتخاب شدند.

در کل، ۲۰۰ دانش آموز جزء نمونه آماری بوده که ۱۰۰ نفر آنان جزء دانش آموزان مدرسه گریز بودند که بیش از ۵ جلسه غیبت تا نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۵-۸۴ داشتند؛ ۱۰۰ نفر هم دانش آموز عادی بودند.

## شیوه جمع آوری داده‌ها

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه دانش آموز است که شامل اطلاعات فردی، خانوادگی و ارتباط با مدرسه است. پرسشنامه دیگر، نگرش سنجی است که ۲۵ پرسش دارد و به روش مقیاس لیکرت (Likert Scale) تهیه شده است و نگرش دانش آموز را نسبت به مدرسه و تحصیل می سنجد. علاوه بر این، از چک لیست مونی استفاده شده که دارای ۳۱ سؤال است و با وضعیت فرهنگی-اجتماعی کشور همخوانی دارد. این چک لیست، مشکلات شخصی دانش آموزان را مورد سنجش قرار می دهد. این چک لیست توسط گیلک پور (۱۳۷۷) زیر نظر پاشا شریفی تهیه گردیده و با وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور تطبیق داده شده است.

روش نمره گذاری پاسخ های آزمودنی ها متفاوت بود. پرسش های دو ارزشی (بلی - خیر) با نمره های صفر و یک و پرسش های چند ارزشی به روش لیکرت نمره گذاری انجام شد. بدین معنا که برای گزینه ها بر حسب مورد، نمره های ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد. نمره گذاری پرسش هایی که به صورت مقوله ای بودند بدین صورت انجام شد که نمره هر آزمودنی بر حسب فراوانی دفعات تعیین گردید.

## روایی و پایایی پرسشنامه

### الف- روایی (Validity)

پرسشنامه دانش آموز توسط گیلک پور (۱۳۷۷) تهیه گردیده و به منظور بررسی روایی آن، پس از تهیه فرم مقدماتی، به اجرای آزمایشی آن در یک گروه ۳۰ نفری پرداخته شده و موارد ابهام حذف گردیده



بود. این پرسشنامه برای تعیین روایی صوری، توسط برخی از متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و روایی صوری آن خوب تشخیص داده شد.

### ب- پایایی (Reliability)

پرسشنامه دانش آموز توسط گیلک پور (۱۳۷۷) تهیه و بر روی یک نمونه بزرگ از دانش آموزان دختر و پسر در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان اجرا شده است. برای تعیین پایایی آن پس از اجرا بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان، برای هر متغیر، آلفای کرونباخ (Cronbach) محاسبه گردید.

ضریب آلفا (coefficient alpha) برای متغیر انگیزش تحصیلی (۰/۷۷)، برخورد نادرست اولیاء مدرسه (۰/۷۸)، روابط عاطفی معیوب خانوادگی (۰/۸۶)، نگرش (۰/۸۸) و افت تحصیلی (۰/۷۵) محاسبه شد که این نتایج همسانی و ثبات درونی بالای مقیاس را نشان می دهد.

همچنین برای بررسی همسانی و ثبات درونی چک لیست مونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب آلفای به دست آمده (۰/۹۲) نشان دهنده همسانی و ثبات درونی بالای مقیاس است.

## روش آماری

در تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش هم از آمار توصیفی و هم از آمار استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای تعیین میزان میانگین گروه ها و انحراف استاندارد استفاده شد. گفتنی است که از آمار استنباطی - آزمون t و خی دو- برای ارزیابی معنادار بودن تفاوت بین میانگین های دو نمونه از دانش آموزان استفاده شد.

## پردازش و تحلیل داده ها

پس از اجرای پرسشنامه ها روی دو گروه دانش آموزان (دانش آموزان مدرسه گریز و عادی) نتایج به دست آمده مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای آزمون چهار سؤال اول پژوهش از آزمون t مستقل و برای چهار سؤال بعدی از مجذور کای ( $\chi^2$ ) استفاده شد که نتایج حاصل بدین شرح است:

**سؤال ۱: آیا دانش آموزان مدرسه گریز از نظر میزان انگیزش تحصیلی با دانش آموزان عادی تفاوت دارند؟**

انگیزش تحصیلی بر اساس ۶ پرسش از چک لیست مونی به صورت یک نمره فاصله ای محاسبه شد و میانگین دو گروه آزمایش و گواه با استفاده از آزمون پارامتری t مستقل با یکدیگر مقایسه شد که نتایج حاصل از این تحلیل آماری در جدول (۱) درج شده است:

جدول (۱): مقایسه میزان انگیزش تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش و گواه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T مشاهده شده	معناداری یا عدم معناداری
آزمایش	۱۰۰	۲/۹۰	۲/۳۰	۱۹۸	-۵/۳۹۷	*
گواه	۱۰۰	۴/۳۷	۱/۶۹			

به منظور تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین های دو نمونه از دانش آموزان ، آزمون t مستقل به عمل آمد. با توجه به اینکه قدر مطلق محاسبه شده (۵/۳۹۷-) از جدول (۱/۹۶) در سطح اطمینان ۹۵ در صد با درجه آزادی ۱۹۸ بزرگتر است؛ لذا تفاوت مشاهده شده معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان انگیزش تحصیلی در دانش آموزان مدرسه گریز کمتر از دانش آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند.

### سؤال ۲: آیا دانش آموزان مدرسه گریز از نظر میزان کشمکش و روابط معیوب خانوادگی با دانش آموزان عادی تفاوت دارند؟

برای بررسی پرسش پژوهشی شماره ۲ از ۹ پرسش از پرسشنامه دانش آموز و ۱۳ پرسش از چک لیست مونی که به صورت یک نمره فاصله ای محاسبه شده، استفاده شد و میانگین دو گروه آزمایش (مدرسه گریز) و گواه (غیر مدرسه گریز) با استفاده از آزمون پارامتری t مستقل با یکدیگر مقایسه شد که نتایج حاصل از این تحلیل آماری در جدول (۲) درج شده است.

جدول (۲): مقایسه میزان کشمکش و روابط معیوب خانوادگی دانش آموزان گروه آزمایش و گواه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آمشاهده شده	معناداری یا عدم معناداری
آزمایش	۱۰۰	۶/۲۶	۵/۴۳	۱۹۸	۶/۱۱۲	*
گواه	۱۰۰	۲/۵۶	۲/۶۷			

برای تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین های دو نمونه از دانش آموزان، آزمون t مستقل به عمل آمد و چون محاسبه شده (۶/۱۱۲) از جدول (۱/۹۶) در سطح اطمینان ۹۵ در صد با درجه آزادی ۱۹۸ بزرگتر است؛ بنابراین تفاوت مشاهده شده معنادار است و می توان نتیجه گرفت که میزان کشمکش و روابط معیوب خانوادگی در دانش آموزان مدرسه گریز بیشتر از دانش آموزان عادی است و این متغیر یکی از عوامل مؤثر بر فرار از مدرسه است.

### سؤال ۳: نگرش منفی به تحصیل تا چه اندازه باعث فرار دانش آموزان از مدرسه می شود؟

به منظور بررسی پرسش پژوهشی شماره ۳ از نگرش سنج ۲۵ سؤالی که نگرش دانش آموز را نسبت به مدرسه و تحصیل مورد سنجش قرار می دهد و به صورت یک نمره فاصله ای محاسبه شده است، استفاده شد و میانگین دو گروه آزمایش (مدرسه گریز) و گواه (غیر مدرسه گریز) با استفاده از آزمون t مستقل با یکدیگر مقایسه گردید که نتایج حاصل از این تحلیل آماری در جدول (۳) درج شده است:

جدول (۳) : مقایسه میزان نگرش به تحصیل دانش آموزان گروه آزمایش و گواه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آمشاهده شده	معناداری یا عدم معناداری
آزمایش	۱۰۰	۷۷/۵۷	۱۹/۲۴	۱۹۸	-۱۰/۲۳۳	*
گواه	۱۰۰	۱۰۱/۶۶	۱۳/۵۶			

برای آزمون تفاوت مشاهده شده، آزمون  $t$  مستقل به عمل آمد و چون قدر مطلق  $t$  محاسبه شده (۱۰/۲۳۳-) از جدول (۱/۹۶) در سطح اطمینان ۹۵ در صد با درجه آزادی ۱۹۸ بزرگتر است؛ لذا تفاوت مشاهده شده معنا دار است و می توان نتیجه گرفت که میزان نگرش منفی در دانش آموزان مدرسه گریز بیشتر از دانش آموزان عادی است و این از جمله عواملی است که در گرایش دانش آموزان به فرار از مدرسه مؤثر است.

**سؤال ۴:** برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش آموزان تا چه اندازه باعث فرار دانش آموزان از مدرسه می شود؟

برای بررسی پرسش پژوهشی شماره ۴ از ۶ پرسش از پرسشنامه دانش آموز و ۶ پرسش از چک لیست مونی که به صورت یک نمره فاصله ای محاسبه شده، استفاده شد و میانگین دو گروه آزمایش (مدرسه گریز) و گواه (غیر مدرسه گریز) با استفاده از آزمون  $t$  مستقل با یکدیگر مقایسه گردید. نتایج حاصل از این تحلیل آماری در جدول (۴) درج شده است:

جدول (۴): مقایسه میزان برخورد نادرست اولیاء مدرسه گروه آزمایش و گواه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آمشاهده شده	معناداری یا عدم معناداری
آزمایش	۱۰۰	۷/۱۹	۲/۳۳	۱۹۸	۷/۶۵۵	*
گواه	۱۰۰	۴/۶۰	۲/۴۵			

به منظور تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین های دو نمونه از دانش آموزان، آزمون  $t$  مستقل به عمل آمد. با توجه به اینکه  $t$  محاسبه شده (۷/۶۵۵) از جدول (۱/۹۶) در سطح اطمینان ۹۵ در صد با درجه آزادی ۱۹۸ بزرگتر است؛ لذا تفاوت مشاهده شده معنا دار است.

**سؤال ۵:** آیا بین معاشرت با همسالان مدرسه گریز و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟

برای بررسی پرسش پژوهشی شماره ۵ از ۲ پرسش از پرسشنامه دانش آموز که به صورت یک نمره مقوله ای محاسبه شده، استفاده شد و مقایسه داده های مربوط به دو گروه آزمایش (مدرسه گریز) و گروه گواه (غیر مدرسه گریز) به تفکیک هر پرسش با استفاده از آزمون غیر پارامتریک مجذور خی انجام گرفت. جدول فراوانی و خی دو هر یک از آنها در زیر آورده شده است:

■ متن پرسش شماره ۱۸: آیا دوستانی دارید که والدین تان مایل نیستند با آنها معاشرت کنید؟

جدول (۵): فراوانی و خی دو پرسش شماره ۱۸ پرسشنامه دانش آموز (سؤال شماره ۵ پژوهش)

نه	آری	گروه	
		پاسخ	آزمایش
۲۴	۷۶	آزمایش	
۷۰	۳۰	گواه	

$\chi^2_0$	۴۰/۶۴
$\chi^2_{0.05}$	۳/۸۴
d.f	۱

با مراجعه به جدول، سطح ۵ درصد با درجه آزادی یک برابر با  $۳/۸۴$  است. چون  $\chi^2$  مشاهده شده ( $۴۰/۶۴$ ) از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ و احتمال  $۰/۰۵$  بزرگتر است؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار اختلاف معناداری وجود دارد.

■ متن پرسش شماره ۲۷: آیا دوستانی دارید که شما را تشویق به فرار از مدرسه می کنند؟

جدول (۶): فراوانی و  $\chi^2$  دو پرسش شماره ۲۷ پرسشنامه دانش آموز (سؤال شماره ۵ پژوهش)

گروه	پاسخ	
	آری	نه
آزمایش	۷۲	۲۸
گواه	۳۱	۶۹

$\chi^2_0$	۳۲/۰۲
$\chi^2_{0.05}$	۳/۸۴
d.f	۱

$\chi^2$  جدول با درجات آزادی ۱ و سطح  $۰/۰۵$  برابر با  $۳/۸۴$  است. چون  $\chi^2$  مشاهده شده ( $۳۲/۰۲$ ) بزرگتر از  $\chi^2$  جدول در سطح  $۰/۰۵$  است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد.

در بررسی اطلاعات و داده های به دست آمده مشخص شد که هر دو پرسش شماره ۱۸ و ۲۷ پرسشنامه دانش آموز با سؤال پژوهشی شماره ۵ در ارتباطند و می توان گفت که بین معاشرت با همسالان مدرسه گریز و فرار از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد.

سؤال ۶: آیا بین افت تحصیلی و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟

این متغیر بر اساس دفعات مردودی و تجدیدی تعیین شده است.

جدول (۷): فراوانی و  $\chi^2$  دو مربوط به سؤال شماره ۶ پژوهش

گروه	پاسخ	
	آری	نه
آزمایش	۵۵	۴۵
گواه	۲۲	۷۸

$\chi^2_0$	۲۱/۶۲
$\chi^2_{0.05}$	۳/۸۴
d.f	۱

با مراجعه به جدول،  $\chi^2$  سطح ۵ درصد با درجه آزادی یک برابر با  $۳/۸۴$  است. چون  $\chi^2$  مشاهده شده ( $۲۱/۶۲$ ) از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ و احتمال  $۰/۰۵$  بزرگتر است؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار اختلاف معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین افت تحصیلی و فرار از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد.

سؤال ۷: آیا بین عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش آموزان و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد؟

برای بررسی این سؤال پژوهشی از پرسش شماره ۲۲ پرسشنامه دانش آموز و پرسش شماره ۱۲ چک لیست مونی که به صورت یک نمره مقوله ای محاسبه شده، استفاده شد و برای مقایسه داده های مربوط به دو گروه آزمایش (مدرسه گریز) و گروه گواه ( غیر مدرسه گریز) به تفکیک هر پرسش آزمون غیرپارامتریک مجذور خی استفاده انجام گرفت که نتایج به شرح زیر است:

■ متن پرسش شماره ۲۲: آیا پدر و مادر تان به کارهای تحصیلی شما رسیدگی می کنند؟

جدول (۸): فراوانی و خی دو پرسش شماره ۲۲ پرسشنامه دانش آموز (سؤال شماره ۷ پژوهش)

گروه	پاسخ	
	آری	نه
آزمایش	۴۲	۵۸
گواه	۴۱	۵۹

$\chi^2_0$	۵/۱۲۱
$\chi^2_{0.05}$	۳/۸۴
d.f	۱

$\chi^2$  جدول با درجات آزادی ۱ و سطح ۰/۰۵ برابر با ۳/۸۴ است. چون  $\chi^2$  مشاهده شده (۵/۱۲۱) بزرگتر از  $\chi^2$  جدول در سطح ۰/۰۵ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد.

■ متن پرسش شماره ۱۲: خانواده ام خبر ندارند که در مدرسه چه می کنم.

جدول (۹): فراوانی و خی دو پرسش شماره ۱۲ چک لیست مونی (سؤال شماره ۷ پژوهش)

گروه	پاسخ	
	آری	نه
آزمایش	۷۲	۲۸
گواه	۴۱	۵۹

$\chi^2_0$	۱۸/۳۰
$\chi^2_{0.05}$	۳/۸۴
d.f	۱

با مراجعه به جدول  $\chi^2_0$  سطح ۵ درصد با درجه آزادی یک برابر با ۳/۸۴ است. چون  $\chi^2$  مشاهده شده (۱۸/۳۰) از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ و احتمال ۰/۰۵ بزرگتر است؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار اختلاف معناداری وجود دارد. در بررسی اطلاعات و داده های به دست آمده مشخص شد که هر دو پرسش شماره ۲۲ پرسشنامه دانش آموز و پرسش شماره ۱۲ چک لیست مونی با سؤال پژوهشی شماره ۷ در ارتباطند و می توان

نتیجه گرفت که بین عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش آموزان و فرار از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد.

## بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده است تا عوامل مؤثر بر فرار از مدرسه در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان بررسی شود.

با مطالعه ادبیات تحقیق چند عامل مؤثر به این مشکل رفتاری مورد بررسی قرار گرفت که نخستین عامل **انگیزش تحصیلی** بود. سؤال این بود که میزان انگیزش تحصیلی دانش آموزان تاجه اندازه سبب تسهیل فرایند تحصیلی و به عکس، سبب فرار دانش آموزان از محیط مدرسه می گردد. یافته این پژوهش در مورد این متغیر این بود که میزان انگیزش تحصیلی در دانش آموزان مدرسه گریز کمتر از دانش آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند. این یافته با یافته های سومر و نجت (Sommer & Neget, 1991)، موس (Moss, 1991)، رید (Reid, 2004)، سام نر و واربرتن (۱۹۷۳) هماهنگ است. آنها معتقدند که انگیزه پایین تحصیل نقش مهمی در عدم حضور در مدرسه ایفا می نماید.

این یافته با نتایج ارفان و همکاران (Irfan et al, 1993) نیز همسو است. او به این نتیجه رسید که مدرسه گریزان نمرات ضعیفی در سازگاری کلی در مدرسه، ابعاد آموزشی و انگیزشی دارند و دانش آموزان غیرمدرسه گریز در انگیزش پیشرفت نمرات بالایی را اخذ کرده بودند.

گیلک پور (۱۳۷۷) فقدان انگیزش و علاقه تحصیلی را به عنوان عاملی که در به وجود آوردن مشکل فرار از مدرسه مؤثر است، مطرح نمود. وی گزارش نمود که ضعف و افت تحصیلی، فقدان انگیزش و علاقه تحصیلی در میان دانش آموزان مدرسه گریز به مراتب بیشتر از دانش آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند، است. این یافته نیز با یافته پژوهش حاضر همخوانی دارد.

از مباحث بالا می توان نتیجه گرفت که دانش آموزان مدرسه گریز انگیزه کافی برای تحصیل ویا ماندن در محیط مدرسه ندارند و این امر باعث انزجار و تنفر آنها از مدرسه خواهد شد و از این رو به رفتارهای فرار از مدرسه متوسل می شوند.

عامل اثرگذار دیگر بر فرار از مدرسه ، **برخورد نادرست اولیای مدرسه با دانش آموزان** است. این یافته پژوهش همسو با یافته های گیلک پور (۱۳۷۷) است. او معتقد است که دانش آموزان مدرسه گریز به علت ضعف تحصیلی و پایین تر بودن هوش از حد متوسط ، با برخورد نامناسب و منفی از سوی معلمان و سایر کارکنان مواجه می شوند.

همچنین این یافته پژوهش با یافته های بیکر و همکاران (Baker et al, 2001) همسو است. به نظر وی، مدرسه گریزی با تفاوت ایجاد شده در سبک یادگیری و تدریس، روابط ضعیف معلم - دانش آموز، انتظارات کم معلم و ناهماهنگی در انضباط مدرسه در ارتباط است.

نوبی نژاد (۱۳۷۳) معتقد است که فرار از مدرسه ممکن است صرفاً ناشی از ترس بیش از حد از مدرسه باشد، که این خود معلول شرایط نامساعد خانواده و مدرسه است. به طور کلی فرار از مدرسه، مشکل کودکانی است که نمی خواهند به مدرسه بروند و طرحهایی می ریزند تا به جای مدرسه رفتن ، کارهای دیگر را انجام دهند.

دیگر عامل مؤثر بر فرار از مدرسه، **کشمکشها و روابط معیوب خانوادگی** است که با زد و خورد اعضای خانواده، فقدان والدین و جدایی والدین تعریف شده است.

این یافته پژوهش با یافته های مارگولین و امری (۱۹۸۲) هماهنگ است. آنها معتقدند که والدین کودک رادرگیر کشمکش خانوادگی می کنند و به کودک القاء می شود که به دلیل حضور وی کشمکش های خانوادگی رخ می دهد و با کشمکش های خانوادگی به خاطر او تحمل می شود. نوابی نژاد (۱۳۷۳) معتقد است که کودکان مدرسه گریز احتمالاً متعلق به خانواده های از هم گسیخته و یا دارای والدین و خواهر و برادران بزهکارند که این نیز با پژوهش حاضر همخوانی دارد. کرمی نوری (۱۳۷۰) و میلانی فر (۱۳۷۸) بر نقش و تأثیر خانواده بر فرار نوجوانان از مدرسه و گرایش آنها به بزهکاری تأکید می کنند.

پژوهش دیگری توسط سعیدی (۱۳۷۲) صورت گرفت. یکی از یافته های قابل توجه پژوهش او این مسئله بود که صد در صد نوجوانان فراری، وجود ناسازگاری و روابط معیوب عاطفی بین والدین را به عنوان علت عمده رفتار ناسازگار عنوان نمودند و اکثر دانش آموزان قبل از فرار از مدرسه، رفتار فرار از خانه را تجربه کرده بودند. این مورد نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

تحقیق گیلک پور (۱۳۷۷) بر همین نکته تأکید دارد که خانواده های از هم گسیخته و خانواده های که نظارت حداقل به امور فرزندان خود دارند، شانس ابتلا به رفتار مدرسه گریزی را افزایش می دهند. فیروز صمدی (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزانی که تعارضات خانوادگی دارند بیشتر از دانش آموزانی است که تعارضات خانوادگی ندارند. این مورد نیز با پژوهش حاضر همخوانی دارد.

دیگر عامل مؤثر بر فرار از مدرسه، نگرش نسبت به تحصیل و مدرسه است که طبق تعریف عبارت است از: آمادگی ذهنی و اکتسابی دانش آموز برای واکنش نسبت به مدرسه و تحصیل.

این یافته با نتایج آدنا (Adana, 1987) و سومر و نجت (Sommer & Neget, 1991) همسو است. آنها یکی از مهم ترین دلایل فرار از مدرسه را نگرش نسبت به مدرسه و تحصیل و علاقه به آن ذکر نموده اند.

همچنین این یافته با پژوهش گیلک پور (۱۳۷۷) و کاوناک و کارول (۱۹۷۶) همخوانی دارد. گیلک پور (۱۳۷۷) چنین نتیجه گرفت که دانش آموزانی که به دلایل مختلف نسبت به مدرسه نگرش منفی پیدا می کنند، بیش از سایر دانش آموزان گرایش به فرار از مدرسه دارند.

کاوناک و کارول (۱۹۷۶) به نقل از کان (۱۳۷۰) مطالعه ای در سه مدرسه جامع انجام دادند. در این پژوهش ویژه، دانش آموزانی که از لحاظ حضور و غیاب در مدرسه وضع نامرتبی داشتند در مقایسه با آنها که از این لحاظ وضع متوسط یا خوبی داشتند، نسبت به مدرسه نظر خوبی نداشتند و مدرسه از لحاظ عاطفی آنها را ارضا نمی کرد.

عامل مؤثر دیگر بر فرار از مدرسه، معاشرت با همسالان مدرسه گریز است. پژوهش حاضر به رابطه معناداری میان معاشرت با همسالان مدرسه گریز و فرار از مدرسه دست یافت.

این یافته پژوهش با پژوهش فرگوسن و همکاران (Fergusson et al, 2004)، زانگ (Zhang, 2003) و گیلک پور (۱۳۷۷) همسو است.

فرگوسن و همکاران (Fergusson et al, 2004)، در تحقیقی به بررسی رابطه بین شاخص محرومیت اجتماعی - اقتصادی و بزهکاری پرداختند و نشان دادند که وضع نامساعد وضعیت اجتماعی - اقتصادی با موارد زیر در ارتباط است:

۱. افزایش میزان گرفتاری خانواده، نرخ بالای تنبیه فیزیکی، سوء استفاده از کودک، کاهش مراقبت والدین، دلبستگی ضعیف به والدین و نرخ بالای تخلف والدین
۲. مشکلات سازگاری کودک شامل جلب توجه کردن و مشکلات رفتاری

۳. مشکلات مدرسه شامل فرار از مدرسه، پیشرفت پایین، عدم نظارت بر تحصیل و توانایی تحصیلی ضعیف

۴. گرایش به همسالان منحرف

زانگ (Zhang, 2003)، رابطه غیبت از مدرسه و فقر را بررسی کرد. یافته هایش نشان داد که غیبت از مدرسه به طور معناداری با فقر همبسته است و وضعیت اقتصادی پایین و محرومیت شغلی در شاگردان مدرسه ابتدایی بیشتر تأثیر گذار است تا مدارس متوسطه.

گیلک پور (۱۳۷۷)، معاشرت دانش آموزان را به همسالانی که گرایش به فرار از مدرسه دارند در مدرسه‌گریزی مؤثر دانسته و به نقش منفعلانه والدین در رابطه با معاشرت و نحوه آن در دانش آموزان مدرسه‌گریز تأکید دارد.

چون نمونه تحقیق قشر نوجوان است و یکی از ویژگی‌های بارز این دوره پیوستن به گروه‌های همسال است؛ لذا تأثیر همسالان مدرسه‌گریز بر این مشکل رفتاری محرز است.

عامل مؤثر دیگر در فرار از مدرسه، **افت تحصیلی** است. پژوهش حاضر به رابطه معناداری میان افت تحصیلی و فرار از مدرسه دست یافت.

کرمی نوری و مرادی (۱۳۷۰)، نوابی نژاد (۱۳۷۳) و سعیدی (۱۳۷۲)، یکی از عوامل مؤثر در فرار از مدرسه را افت تحصیلی و ضعف تحصیلی می‌دانند که با یافته پژوهش حاضر همسو است.

در تبیین این یافته با توجه به پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت که افت تحصیلی به صورتهای عدم رضایت خاطر، خرسندی و نگرانی دانش آموز متجلی می‌شود. عوارض روحی یاد شده، شکست بعدی فرد را ممکن می‌سازد و شکست مجدد، تشویش خاطر و اضطراب او را دامن می‌زند و در نتیجه نوجوان در دوره باطل و معیوبی گرفتار می‌آید که به تدریج رهایی خود را از آن غیر ممکن می‌داند.

همچنین دانش آموز به خاطر افت در خانه و مدرسه مورد سرزنش قرار گرفته، کم‌کم از تحصیل و درس خواندن متنفر شده و گرایش به فرار یا گریز از مدرسه در او شکل می‌گیرد و چون مدرسه را یک محیط مثبت تلقی نمی‌کند لذا ترجیح می‌دهد به محیطی برود که برای وی محرک‌های مثبت‌تری فراهم می‌کند و لذا اقدام به فرار از مدرسه می‌کند.

عامل اثر گذار دیگری که بر فرار از مدرسه مؤثر است، **عدم رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش‌آموزان** است. پژوهش حاضر به رابطه معناداری میان رسیدگی والدین به امور تحصیلی دانش‌آموزان و فرار از مدرسه دست یافت.

سیف و شعاع کاظمی (۱۳۸۲) نیز به رابطه معناداری بین نظارت والدین و گریز از مدرسه دست یافتند و میزان همبستگی بین آنها را ۰/۶۵ گزارش نمودند.

نتایج تحقیق گیلک پور (۱۳۷۷) نیز مطابق با یافته‌های این پژوهش است. او به این نتیجه رسید که بین رفتار مدرسه‌گریزی و میزان نظارت والدین در امور فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و با مقایسه نتایج دو گروه از کودکان مشکل دار و عادی این تفاوت محرز خواهد بود.

### محدودیت‌های تحقیق

در هر پژوهش محدودیت‌هایی وجود دارد که محقق سعی می‌کند با کنترل آنها از دخالت متغیرهای ناخواسته جلوگیری کند تا با اطمینان بیشتری اعلام کند که نتایج به دست آمده فقط حاصل شرایط مورد بررسی بوده است (محدودیت‌های در اختیار پژوهشگر). اما گاهی، برخی از متغیرهای ناخواسته خارج از کنترل محقق است به گونه‌ای که نمی‌تواند تأثیر آنها را خنثی کند اما نسبت به آنها آگاهی دارد (محدودیت‌های خارج از کنترل پژوهشگر).



### الف) محدودیت های در اختیار پژوهشگر

۱. **مقطع تحصیلی.** این مطالعه به دوره متوسطه محدود شده است. بنابراین تعمیم نتایج این تحقیق به مقاطع دیگر تحصیلی باید توأم با احتیاط باشد.
۲. **مکان.** این مطالعه به شهر ایهر محدود شده است. بنابراین تعمیم نتایج تحقیق به دانش آموزان سایر نقاط کشور باید توأم با احتیاط باشد.
۳. **جنسیت.** این مطالعه به دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان محدود شده است. بنابراین تعمیم نتایج این تحقیق به دانش آموزان دختر باید توأم با احتیاط باشد.
۴. **موضوع.** این مطالعه به بررسی عوامل مرتبط با فرار از مدرسه محدود شده است.

### ب) محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر

۱. همکاری ضعیف برخی از مدیران مدارس با محقق.
۲. چون فرار از مدرسه از جمله رفتارهای ناپسند اجتماعی است، ممکن است که برخی از دانش آموزان مدرسه گریز در دادن اطلاعات واقعی سوگیری کرده باشند، در این صورت ممکن است پاسخ های افراد مورد مطالعه در بعضی از نتایج این تحقیق اثر گذاشته باشد.

### پیشنهادها

۱. با توجه به اینکه دانش آموزان مدرسه گریز از انگیزش منفی نسبت به تحصیل برخوردارند، لذا پیشنهاد می شود برنامه هایی برای خوشایند کردن محیط مدرسه و ایجاد انگیزه در این دانش آموزان ترتیب داده شود.
۲. با توجه به یافته این پژوهش مبنی بر عدم رسیدگی والدین بر امور تحصیلی دانش آموزان مدرسه گریز، پیشنهاد می شود که جلسات متعددی تشکیل شود و ارتباط خانه و مدرسه را افزایش داده و والدین از وضعیت فرزندانشان آگاه شوند.
۳. با توجه به اینکه دانش آموزان مدرسه گریز، وجود کشمکش را در خانواده گزارش کردند، پیشنهاد می شود مشاوره خانوادگی برای این دانش آموزان ترتیب داده شود.
۴. برای جبران ضعف تحصیلی دانش آموزان، کلاس های جبرانی و فوق العاده پیشنهاد می گردد.
۵. دانش آموزان مشکل دار مدارس نباید به عنوان افرادی شاخص و بر چسب خورده معرفی شوند. در برخورد با آنان باید جانب احتیاط را رعایت نمود و در بررسی مشکلات انضباطی نباید آنان را به عنوان افراد مطرح مورد بررسی قرار داد.
۶. پیشنهاد می شود حضور و غیاب دانش آموزان به طور منظم صورت گیرد و عدم حضور دانش آموز در مدرسه به اطلاع والدین رسانده شود.
۷. در انتخاب معلمان و مدیران دقت لازم صورت گرفته و با توجه به رشته تحصیلی و توان علمی انتخاب گردند.
۸. به سایر نهاد ها (صدا و سیما و مطبوعات) پیشنهاد می شود در برنامه های آموزشی خود در سطح جامعه به مسائل نوجوانان بپردازند و متعاقب آن در فکر حل آنها بر آیند.
۹. اگر چه آموزش و پرورش در مورد هر گونه تغییر در درآمد خانواده، تعداد خانوار، تحصیلات پدر در کوتاه مدت نمی تواند کاری انجام دهد و از لحاظ کارکرد شاید وظیفه ای متوجه او نباشد ولی در دراز مدت می تواند از طریق برگزاری کلاسهای آموزشی، والدین را نسبت به رعایت استانداردها و تعادلها در خانواده آگاه کند.

## منابع فارسی:

۱. دلاور، علی (۱۳۸۰) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد
۲. دلاور، علی (۱۳۸۱) احتمالات و آمار کاربردی در روان شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد
۳. رضازاده ساراب، جعفر (۱۳۷۵) بررسی عوامل روانی اجتماعی مؤثر در اختلالات رفتاری نوجوانان ۱۶-۱۳ ساله. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳) روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه
۵. سعیدی، محمد (۱۳۷۲) بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. سلطانی، ابوالحسن (۱۳۸۱) «بررسی علل غیبت مکرر دانش آموزان از مدارس از دیدگاه روانشناسی». فصلنامه بهروز. نشریه پزشکی و پیراپزشکی. سال سیزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۲)، پاییز ۱۳۸۱.
۷. سیف، سوسن و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۲) «بررسی علل و عوامل مدرسه گریزی در دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران سال تحصیلی ۸۱-۸۲». فصلنامه مطالعات زنان. دانشگاه الزهراء، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
۸. فیروز صمدی، خدیجه (۱۳۸۰) بررسی تأثیر تعارضات خانوادگی در بروز نوع اختلالات رفتاری دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء
۹. کان و دیگران (۱۳۷۰) بیزاری از مدرسه. حسن سلطانی فر. معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی
۱۰. کرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا (۱۳۷۰) روان شناسی تربیتی. دوره کاردانی تربیت معلم. تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی
۱۱. گلزاری، محمود (۱۳۸۲) بررسی میزان، زمینه ها و عوامل مشکلات روانی-اجتماعی دانش آموزان دبیرستانی اسلام شهر، کرج، شهرری و منطقه ۱۲ تهران (رابطه با جنس مخالف، استعمال سیگار و سوء مصرف مواد، فرار از خانه، فرار از مدرسه و خودکشی). تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۱۲. گیلک پور، خدیجه (۱۳۷۷) بررسی علل فرار دانش آموزان از مدرسه. طرح تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.
۱۳. میلانی فر، بهروز (۱۳۷۸) روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. تهران: نشر قومس
۱۴. نلسون، ریتا ویکس و ایزرائل، الن سی (۱۳۷۵) اختلالهای رفتاری کودکان. محمد تقی منشی طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
۱۵. نوبی نژاد، شکوه (۱۳۷۳) رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری از نابهنجاری ها. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

## منابع لاتین:

16. Adana. B.(1987) "A comparison of teachers and view on truancy in nigerian secondaryb school". Nigerian Journal of Guidance and Conselling ,3,1-2.
17. Baker, Myriam L. ; Sigmon. Nady and Nugent, M. Elaine(2001) "Truancy reduction : keeping students in school". Juvenile Justice Bulletin, September 2001.
18. Fergusson,David; Swain-Campbell, Nicola and, Horwood John(2004) "How does childhood economic disadvantage lead to crime". Journal of Child Psychology and Psychiatry, 45, 5.
19. Heyne, David; King, Neville J. ; Tonge, Bruce J. and Cooper, Howard(2004) "School Refusal: Epistemology and Management" . Paediatr Drugs, 3,10.
20. Inman,Ricky W.(2005) The relationship between truancy and juvenile crime in Wayne County Tennessee.EdD Dissertation , Tennessee state University, available from UMI Proquest Digital Dissertation.
21. Irfan , M. ;Igbal,N. ; Sandra , B. ; Baldev, S. and Singh,P.(1993) "School adjustment and achievement motivation truants and non- truants studing in practice school" . Indian Journal of Clinical Psychology,20,1.
22. Moss, Romona Jeannete(1991) Flexibility of coping styles and school motivation as factors in truancy in learning – disabled students. phd Dissertation,Howard University, available from UMI Proquest Digital Dissertation.
23. Reid, Ken(1982) "A review of some recent research into persistent school absenteeism". British Journal of Educational Studes,XXV,3, October 1982.
24. Reid, Ken(2004) "A long-term strategic approach to tackling truancy and absenteeism from schools". British Journal of Guidance and Counselling , 32,1, February 2004.
25. Sommer, B. and Neget,S.(1991) "Ecological and typological characteristics in early adolescent truancy" . Journal of Early Adolescence,11,3.
26. Wagner,Michael; Dunkake, Imke and Weiss, Bernd(2004) "truancy in Germany:a theoretical and empirical analysis" . EuroConference on the Causes and Consequences of Low Education in Contemporary Europe, Granda, Spain, 18-23 September 2004,Research Institute of Sociology, University of Cologne.
27. Zhang, Ming(2003) "Links between school absenteeism and child poverty". Postoral Care in Education ,21,1, March 2003.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی